

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم

بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

فرستنده : یک هوادار پورتال

ششم سپتمبر 2011

داد از دست زنان، داد از دست زنان

طنز، مگر به اجازه زنان!!!

دیده ام روشن و پرنور ز دیدار زنان بوده ام عاشق پرشور و خریدار زنان
کاش گردهم کمی ناخوش و بیمار زنان کشته و بسته صد نخره و اطوار زنان
نرسم لیک به عمق و بئن افکار زنان
داد از دست زنان، داد از دست زنان

زن بود رونق و آرامش هر خانه ولی هم بود شمع و جود من پروانه ولی
زلفکانش ز سر شوق کنم شانه ولی در قدمش بنهم دام و دوصد دانه ولی
بمیان آرم و صد بار بیارم به میان
داد از دست زنان، داد از دست زنان

زن بیاراست خدا زینت و شان بشری هسته و مرکز و سمبول و نشان بشری
تا فگندی نظر از کون و مکان بشری زن بیابی به یقین روح و روان بشری
با همه لطف و نکوئی نشود هیچ نهان
داد از دست زنان، داد از دست زنان

زن که مادر بود و خواهر و دختر آری هم خشو باشد و هم خانم و محور آری
با دگر هاش کجا کرد برابر آری گور بود خانه خدا یا که بدقتر آری
بود از دینه و امروز نمایان و عیان
داد از دست زنان، داد از دست زنان

زن که بس نیک بود، عالی و اعلا باشد چون پری باشد و از عالم بالا باشد
زن گهر باشد و آن گوهر والا باشد گور که سیمین بود و نیز مطلا باشد
نکته ای هست که آید به خدا کی بزبان
داد از دست زنان، داد از دست زنان

زن نواز د و بنازد به خدا مثل بلا دست در کار بيازد به خدا مثل بلا
رونق خانه بسازد به خدا مثل بلا بر خشو سخت بتازد به خدا مثل بلا
اين بلا را نکند هيچ خدا دور ز خان
داد از دست زنان، داد از دست زنان
بعد گپهای پر از مهر و حسابی که برفت از حسابی چه که گپهای کتابی که برفت
گر سخن رفت و همی نیز ثوابی که برفت ور ز الوان خوش سرخ و گلایبی که برفت
گر "... کمکی گفت ز پنهان و نهان
داد از دست زنان، داد از دست زنان